

تفسیر روان و ساده قرآن کریم
قسمت سیزدهم، سوره حمد

ذکر کتاب

درس گفتارهای
استاد سید هادی عظیمی

بهار ۱۴۰۳



أَعُوذُ بِاللَّهِ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ وَ صَلَّى اللَّهُ عَلَى سَيِّدِنَا وَ نَبِيِّنَا
أَبِي الْقَاسِمِ الْمُصْطَفَى مُحَمَّدٍ وَ عَلَى أَهْلِ بَيْتِهِ الطَّيِّبِينَ
الطَّاهِرِينَ وَ الْمَعْصُومِينَ الْمُقَرَّبِينَ، سَيِّمًا بَقِيَّةُ اللَّهِ فِي
الْأَرْضِينَ وَ اللَّعْنُ الدَّائِمُ عَلَى أَعْدَائِهِمْ أَجْمَعِينَ.

وَقُلْ رَبِّ أَدْخِلْنِي مُدْخَلَ صِدْقٍ وَأَخْرِجْنِي مُخْرَجَ صِدْقٍ
وَاجْعَلْ لِي مِنْ لَدُنْكَ سُلْطَانًا نَصِيرًا.

خلاصہ قسمت قبل

در محضر شما عزیزان، تفسیر آسان و روان از قرآن
[کریم] را تقدیم کردیم. رسیدیم به انتهای سورۃ حمد:
«اهْدِنَا الصِّرَاطَ الْمُسْتَقِيمَ صِرَاطَ الَّذِينَ أَنْعَمْتَ عَلَيْهِمْ
غَيْرِ الْمَغْضُوبِ عَلَيْهِمْ وَلَا الضَّالِّينَ».

سه دستہ اصلی در نسبت با راه ہدایت

سورہ [حمد را] با نام خداوند شروع کردیم و حمد و
ستایش الہی را بہ جا آوردیم. رسیدیم بہ اینجا کہ برای
درخواست ہدایت از خداوند، ابتدا عبودیت خود را
اظهار کردیم: «إِيَّاكَ نَعْبُدُ وَإِيَّاكَ نَسْتَعِينُ». سپس
تقاضای ہدایت نمودیم کہ خدایا ما را بہ راہ راست و
درست، راہی کہ ما را بہ تو می‌رساند، ہدایت فرما.

عرض کردیم مردم، نسبت به خداوند به سه دسته تقسیم می‌شوند:

گروه اول کسانی‌اند که در مسیرِ درست، به سوی خدا حرکت می‌کنند. ما از خداوند می‌خواهیم که ما را به راه آنان هدایت کند «**صِرَاطَ الَّذِينَ أَنْعَمْتَ عَلَيْهِمْ**». راه کسانی که نعمتِ ولایت و هدایت و صفات الهی را به ایشان عطا فرمود. این راه، راه ائمه طاهرین و شیعیان علی بن ابی‌طالب علیه آلاف التحیه و الثناء است.

گروه دوم مغضوب علیهم هستند؛ کسانی که خدا بر آنان غضب کرده است. [دلیل غضب خدا عبارت است از:] کارها و اخلاق بد و موضع‌گیری‌های غلطشان نسبت به جامعه و جهان و حاکمیت دینی. عرض کردیم این گروه، صهیونیست‌های خبیث‌اند، که خدای متعال بر آنان غضب کرده است.

گروه سوم ضالین یا گمراهان‌اند؛ که باید آنان را بشناسیم و به کلی‌گویی بسنده نکنیم.

ویژگی‌های گمراهان

هر گاه ما به این بخش از سوره‌ی حمد می‌رسیم و می‌گوییم خدایا ما نمی‌خواهیم در راه گمراهان باشیم، باید بتوانیم این گمراهان را در ذهن خود تداعی کنیم. بگوییم خدایا ما نمی‌خواهیم در مسیر افراد زیر باشیم:

۱. مشرکان؛ ۲. بت‌پرستان؛ ۳. منافقان؛ ۴. پیروان ادیان

تحریف شده یهودیان و مسیحیان؛ کسانی که گمان می‌کنند دین درستی دارند، ولی دینشان بر اساس کتاب تحریف شده است. کسانی که به دین عیسی ایمان دارند، بدانند: حضرت عیسی فرموده است، باید به دین اسلام ایمان بیاورند.

۵. کسانی که دین را به صورت ناقص پذیرفته‌اند؛ [این افراد] بعضی از احکام و اصول دین را پذیرفته‌اند و برخی دیگر را نپذیرفته‌اند؛ ۶. کسانی که نبوت پیامبر را قبول کرده‌اند ولی ولایت علی (ع) را نپذیرفته‌اند؛ ۷. کسانی که ولایت علی را پذیرفته‌اند ولی ولایت فقیه را قبول ندارند؛ ۸. کسانی که سکولارند و به مسائل سیاسی بی‌تفاوت‌اند؛ ۹. تجمل پرستان و مُدپرستان؛ [خصوصیات این گروه از گمراهان به شرح زیر است:]

۱. دین دارند؛ ۲. نبوت را قبول دارند؛ ۳. ولایت را می‌پذیرند؛ ۴. ممکن است ولایت فقیه را قبول داشته باشند.

این دسته از دینداران، سبک زندگی‌شان شبیه مُترَفین است؛ کسانی که خداوند در قرآن به شدت نکوهش‌شان کرده است. زندگی لاکچری و تجملاتی دارند. نمی‌گویم استفاده از امکانات و رفاه حرام است؛ اگر نیاز باشد، باید استفاده کرد. اما گاهی تجمل پرستی این گونه است که انسان، برای خودنمایی و کلاس گذاشتن، چیزهایی را تهیه می‌کند که واقعاً به آن‌ها نیاز ندارد.

مصادیق مدیرستی

[برخی از جلوه‌های مدیرستی]: ۱. فرد اصرار دارد که مراسمش به سبک خاصی برگزار شود؛ ۲. اتومبیل و لباسش حتماً برند خاصی باشد؛ ۳. به خاطر چشم‌وهم‌چشمی کالایی گران‌قیمت تهیه می‌کند، در حالی که واقعاً به آن نیاز ندارد. چنین افرادی الگوی مناسبی نیستند. اگر خدای نکرده خودمان را در این مسیر دیدیم، باید به خودمان هشدار بدهیم. باید در نمازمان به یاد بیاوریم که: «غَيْرِ الْمَغْضُوبِ عَلَيْهِمْ وَلَا الضَّالِّينَ»، یعنی خدایا ما نمی‌خواهیم در مسیر گمراهان باشیم. در نماز، باید تصمیم بگیریم که در راه گمراهان، مدیرستان، تجمل‌پرستان و اهل چشم‌وهم‌چشمی نرویم.

۱۰. غرب‌پرستان؛ کسانی که به غرب اعتماد دارند. اینها می‌گویند نگاه کنید که [غربی‌ها] چه ساخته‌اند، چقدر پیشرفت کرده‌اند! گمان می‌کنند پیشرفت، فقط در تکنولوژی است. غرب از نظر فناوری پیشرفت کرده، اما اگر در انسانیت پیشرفتی نکرده باشد، برای غرب پرستان مهم نیست. برخی از نمازخوان‌ها نیز همین نگاه را دارند؛ در ظاهر به سمت خانه خدا سجده می‌کنند، اما فکرشان، به سمت کاخ سفید یا برج ایفل فرانسه است. این نوع نگاه، انحرافی است. ما اگر می‌گوییم و لا الضالین، یعنی ما در اعتقادات، گمراهان را نمی‌پذیریم.

تفاوت گناهکار با گمراه؛ نگاهی اعتقادی

نکته مهم در این آیه این است که، خداوند فرمود عاصین (گناهکاران)، بلکه فرمود «ضالین» (گمراهان). تفاوت این دو در چیست؟

- گناهکار کسی است که می‌داند کارش اشتباه است، اما به خاطر جوانی و نادانی یا هوای نفس، مرتکب آن می‌شود. می‌داند مثلاً موسیقی مطرب حرام است، ولی گوش می‌دهد و می‌گوید خدایا ببخش، می‌دانم گناه می‌کنم. چنین فردی نجات پیدا می‌کند.

- گمراه کسی است که از اساس، حرام بودن را انکار می‌کند. می‌پرسد، چه کسی گفته موسیقی یا نوعی پوشش یا بیرون بودن زلف و یا شرابخواری حرام است؟ چه کسی گفته سبک زندگی غربی حرام است؟ این انکار، فرد را در زمره ضالین قرار می‌دهد. چنین کسی دچار «فسق» است. فسق، یعنی فاسد شدن و گندیدن. وقتی عقیده انسان فاسد شود، روح او نیز می‌گندد؛ ولو ظاهرش تمیز و آراسته باشد.

نگاه مادی؛ انحرافی فراگیر در فرهنگ غرب

یکی از ریشه‌های گمراهی، نگاه مادی است. یعنی انسان همه چیز را با معیار مادی می‌سنجد. ارزش افراد را با تیپ و ظاهرشان می‌سنجد، نه با روح و حقیقت وجودشان.

غربی‌ها نگاهشان به همه چیز مادی است؛ حتی به خدا. خدا را هم موجودی مادی می‌پندارند. عبادتشان، ابزاری است برای رونقِ زندگیِ دنیوی، نه برای تعالی روح. مثلاً اگر در کلیسا دعا می‌کنند، برای حل مشکلات مادی خودشان است، نه برای رضای الهی. ازدواجشان نیز نگاه زمینی دارد، نه الهی. حتی اگر جنس خوب تولید می‌کنند، به خاطر سود مادی است، نه به خاطر تقوا.

تفاوت نگاه الهی و مادی

در نگاه الهی:

- ازدواج یک تکلیف است، نه یک حق شخصی.
 - کار و تلاش برای رضای خداست، نه درآمد صرف.
 - عبادت برای تعالی روح است، نه رسیدن به رفاه.
- نگاه مادی‌گرایانه، همان نگاه ابلیس و غربزده‌هاست؛ نگاهی از زاویه‌ی سود و منفعت شخصی. این نگاه، انسان را به گمراهی می‌کشاند.

تقید صوری به دین یا دین‌داری با قلب پاک؟!

۱۱. کسانی که به احکام ظاهری دین پایبند نیستند. اینها فقط به دل پاک قناعت می‌کنند. می‌گویند اگر حجاب ندارم، اشکالی ندارد؛ دلم پاک است. اگر نماز نمی‌خوانم، طوری نیست؛ در دلم با خدا حرف می‌زنم.

این افراد نیز گمراه‌اند. چرا که تقید به احکام دینی ندارند و راه درستی را نمی‌پیمایند.

۱۲. خطای در فهم احکام شرعی؛ اینها می‌گویند ما خمس را قبول نداریم، ولی به فقرا کمک می‌کنیم. این خطاست. خداوند فرموده خمس باید به دست اهلش برسد. خمس برای تقویت حاکمیت دینی و بنیة تشیع است، نه صرفاً برای فقرا. زکات مال فقراست، اما خمس برای اهل بیت و تقویت حوزه‌های علمیه و شیعه در جهان است. اگر کسی خمس را به جای درستش ندهد، مانند کسی است که به جای ریختن آب در رادیاتور خودرو، بنزین بریزد. هرکدام جای خودش را دارد.

۱۳. اعتقادات افراطی؛ گاهی افراد به برخی مفاهیم دینی اعتقادی افراطی دارند. اینها می‌گویند اگر ما نماز نخوانیم، ولی برای امام حسین علیه‌السلام سینه بزنیم، نجات می‌یابیم. در حالی که روایت داریم: «**إِنَّ شَفَاعَتَنَا لَا تَنَالُ مُسْتَخِفًّا بِالصَّلَاةِ**» (من لایحضره الفقیه، ج ۱، ص ۲۰۶)، یعنی شفاعت ما به کسی که نماز را سبک بشمارد نمی‌رسد. نماز نخواندن، بسیار بدتر از سبک شمردن نماز است.

۱۴. نافرمانی در برابر ولایت فقیه؛ گاهی افراد به برخی احکام اصرار دارند، مثل قمه‌زنی؛ در حالی که ولی فقیه زمان، با بصیرت کامل؛ آن را در شرایط فعلی حرام اعلام

کرده است. مخالفت با این دستور، نوعی گمراهی است، هرچند آن افراد فکر می‌کنند کار درستی می‌کنند.

۱۵. تَقْيِدٌ گزینشی به احکام؛ مثلاً فردی به پاکی و نجاست، بسیار مُقَيَّد است، اما به اخلاق اهمیتی نمی‌دهد. اگر ذره‌ای خون بر لباسش باشد، ناآرام می‌شود، ولی از خشم و کینه قلبی‌اش بی‌خبر است. این در حالی است که اسلام از ما می‌خواهد، هم به ظاهر و هم به باطن دین توجه کنیم. تمرین در احکام ظاهری، برای رسیدن به صفات الهی است. دل پاک، بدون رعایت احکام شرعی، کافی نیست.

در سوره‌ی حمد، وقتی می‌گوییم «وَلَا الضَّالِّينَ»، در واقع اعلام می‌کنیم که خدایا، من این راه‌ها را نمی‌پذیرم و هیچ‌گاه از این مسیرها عبور نخواهم کرد، ان شاء الله.

در جلسه آینده، تفسیر سوره توحید را که معمولاً در نماز، پس از سوره حمد خوانده می‌شود، به صورت ساده و روان بیان خواهیم کرد. ان شاء الله، پس از آن، وارد تفسیر سوره بقره خواهیم شد.

و السلام علیکم و رحمه الله و برکاته